**جلسه اول (۱۱/۷/۱۳۹۴)**

**«درس خارج فقه:اجتهاد و تقلید»**

**مسئله اول :یجب علی کل مکلَّف فی عباداته و معاملاته أن یکون مجتهداً أو مقلداً محتاطاً.**

بر هر مکلفی واجب است در بدست آوردن احکام عبادات،معاملات یا **مجتهد**یا **مقلِّد** یا **مُحتاط باشد.**

در این مسئله لازم است چند مطلب مورد بررسی قرار گیرد.

**مطلب اول:** مراد از**( یجب)** وجوب تخییری نه تعیینی و این تخییر از کلمه او فهمیده می­شود .لذا معنی عبارت اینگونه می­شود : هر مکلفی مخیَّر است در بدست آوردن احکام عبادات یا معاملات یا مجتهد باشد یا مقلِّد یا محتاط

**مطلب دوم:** باید بررسی کرد که این تخییر شرعی است یا عقلی[[1]](#footnote-1)؟

**قول اول:** آقای حکیم در مستمسک می­فرماید تخییری هم می­تواند عقلی و فطری باشد هم شرعی[[2]](#footnote-2).

اما وجوب فطری است چرا که هر فطرتی حکم می­کند که دفع ضرر محتمل لازم است درمسئله فوق هم به تمام مکلف ها امر شده که در بدست آوردن احکام یا مجتهد باش یا مقلد یا محتاط لذا عقل احتمال منجز بودن این تکلیف را می­دهد و همین عقل حکم می­کند که دفع ضرر محتمل لازم است در نتیجه می­گویدهر مکلفی یا باید مجتهد باشد یا مقلد یا محتاط

اما وجوب عقلی است چون عقل شکر منعم را واجب می­داند و ادای تکلیف شرعی از مصادیق شکر منعم است پس بر من واجب است عقلا که یا مجتهد یا مقلد یا اهل احتیاط باشیم.

و به ملازمه **قاعده کُلما حکم به** **العقل حکم به الشرع** می­توان شرعی بودن این وجوب تخییری را نیز ثابت کرد.

مرحوم حکیم وجوب را ارشادی می­داند یعنی از قبیل امر **اطیعوا الله و اطیعوا الرسول است** به این معنی که قبل حکم شارع عقل به آن حکم می­کند. وجوب آن عقلی است و امر این آیه ارشادی است زیرا قبل از شرع عقل اطاعت را می­فهمد و واجب می­داند.

**نظر استاد:** به نظر ما مراد از وجوب تخییری، وجوب تخییری شرعی است و دلیل ما بر این ادعا ادله جواز اجتهاد و تقلید و احتیاط است.

**توضیح:** در جواز اجتهاد و تقلید و احتیاط روایات زیادی وجود دارد که در همگی آنها شارع تمام مکلف ها را در زمینه دست یابی به احکام **امر** به اجتهاد،تقلید یا احتیاط کرده است و می­دانیم که امر فی نفسه دلالت بر **طلب** دارد و اگر امر بخواهد دلالت بر وجوب داشته باشد

**۱.**یا به کمک قرینه معیّنه دلالت بر وجوب دارد ( مثلا در عبارت شارع تصریح کند که این طلب من وجوبی است)

**۲.**یا به قرینه کلامیه دلالت بر وجوب دارد ( مثلادر صیاق کلام از الفاظی استفاده شود که آن الفاظ دلالت بر وجوب داشته باشند)

**۳.**یا به قرینه خارجیه دلالت بر وجوب دارد.

در ادله جواز اجتهاد، تقلید یا احتیاط قرینه داخلی داریم که دلالت بر وجوب تخییری شرعی دارند و آن قرینه در اکثر این روایات کلمه **إنَّما** است که از ادات حصر است که وظیفه مکلف را در بدست آوردن احکام منحصر در این سه راه می­کند و از این حصر وجوب شرعی(مولوی) فهمیده[[3]](#footnote-3) .

و همچنین در این زمینه روایات زیادی داریم مولوی بودن را می­توان از آنها استخراج کرد که ما به دو روایت اشاره می­کنیم.

**الف:** روایت هشام بن سالم از امام صادق (ع): **إنما علینا أن نُلقی إلیکم الاُصول و علیکم أن تفرعُوا [[4]](#footnote-4)**

به این معنی که ما قواعد کلی را به شما إلقاء می­کنیم و بر شما است که فروعات این قواعد کلی را استخراج کنید[[5]](#footnote-5)

**ب:** روایت احمد بن محمد بن بزنطی از اما رضا( ع) : **علینا إلقاءُ الاصول وعلیکمُ التفریع** [[6]](#footnote-6)

به این معنی که اجتهاد یعنی تفریع فروع بر اصول و تطبیق اصول بر فروع .

**اولا** هر دو راوی در کُتب رجال شیعه توثیق شده اند.

**ثانیا** اجتهادی که در این قبیل روایات به آنها امر شده است یعنی تفریع ( برگرداندن ) فروع بر اصول و یا تطبیق اصول بر فروع که این عمل از زمان ائمه علیهم السلام در میان شیعیان رواج داشته است .و این رواج عمل و تلاش برای دست یابی به احکام نشان دهنده این است که اصحاب این عمل را بر خود واجب می­دانسته اند حتی با وجود حاضر بودن امام .

حال که وجوب این اعمال در نزد اصحاب ثابت شد به همان دلیل مذکور در بالا مولوی بودن آن ثابت می­شود.

**علاوه بر روایات سه شاهد نیز بر اینکه تخییر شرعی است داریم.**

**شاهد اول:** ابن ابی جمهور بعد نقل این احادیث می­گوید اصحاب ما به استناد این احادیث گفته اند اجتهاد واجب است حتی در حضور امام. و برای اثبات وجوب به دو دلیل تمسک کرده اند

**الف:** به دلیل وجود اداه حصر**( إنما )** در این روایات که قرینه داخلیه است بر اراده وجوب از اداه امر

 **ب:** به دلیل اینکه اجتهاد همان بر گرداندن فروع بر اصول لست و در این دو روایت هم **امر** به برگرداندن فرع بر اصل ( اجتهاد ) شده است و به همان دلیل مذکور در بالا ثابت می­کنیم که ا**مر** وجوب تخییری شرعی دارد.[[7]](#footnote-7)

**شاهد دوم :** جناب شیخ حر عاملی در وسائل وقتی این روایت ها را نقل می­کند می­فرماید این روایات متضمن جواز تفریع فروع بر اصول است و این عمل بر اساس قواعدی است که از روایات ائمه علیهم السلام بدست می­آید[[8]](#footnote-8) آنگاه در فوائد طوسیه ۱۲ اشکال بر این دو روایت می­آورد و در پایان می­فرماید این روایت ها عمل به قوائد کلی و تفریع فروع به اصول را حکم می­کند.

**شاهد سوم:** علامه مجلسی می­فرماید **یدل علی جواز استنباط الاحکام من العمومات**

به این معنی که اجتهاد یعنی تفریع فروع از اصول یا تطبیق اصول بر فروع .

و ادله لفظی( اوامر موجود در این روایات) به همان قرینه های داخلیه کاشف از حکم واقعی ( وجوب شرعی) است پس روایات اجتهاد می­گویند بر ما واجب شرعی است که مجتهد باشیم و روایت تقلید دستور می­دهند که از اهل فن تقلید کنیم و روایات احتیاط حکم می­کنند که در صورت مجتهد نبودن و مقلِّد نبودن اهل احتیاط باشیم یعنی در هر مسئله ای بدونه اینکه در سدد دست یابی به ادله حکم باشیم طریق احتیاط را پیش بگیریم[[9]](#footnote-9).

**خلاصه کلام تا این جا این شد که اولاً‌ وجوب تخییری است ثانیاً شرعی است .**

1. ۱-به عبارت دیگر وجوب تخییری ،ارشادی است یا مولوی [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-عُروه الوثقی ج۱ ص ۶ [↑](#footnote-ref-2)
3. ۳- توضیح دلیل به عبارت منطقی

**مقدم:** اگر وجوب در این روایات از قبیل وجوب تخییری ارشادی باشد.

 **تالی:** لازم است قبل امر شارع عقل ما را در بدست آوردن احکام مخییر کند بین اجتهاد یا تقلید یا احتیاط.

**و لکن التالی باطل** ( دلیل بطلان تالی وجدان است چرا که ما بالوجدان می­بینیم که اگر شارع ما را مخییر بین این سه راه نکند عقل ما چنین برداشتی نخواهد داشت)

**فالملزوم مثله**( وجوب ارشادی بودن اوامر موجود در ادله جواز اجتهاد و تقلید و احتیاط باطل است)

از میان روایات موجود در این مسئله به دو روایت از باب نمونه اشاره می­کنیم) [↑](#footnote-ref-3)
4. ۱ وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۴۰ حدیث ۵۱ [↑](#footnote-ref-4)
5. ۵-وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۰ [↑](#footnote-ref-5)
6. ۶-وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۰ [↑](#footnote-ref-6)
7. ۲عوالی اللعالی جلد ۴صفحه ۶۳ [↑](#footnote-ref-7)
8. ۸-وسائل الشیعه ج ۱ صفحه ۱ [↑](#footnote-ref-8)
9. ۹-مراد احتیاط ابتدای است یعنی عمل به احتیاط بدونه فحص از دلیل. [↑](#footnote-ref-9)